

بررسی بحران سومالی

در سه دهه اخیر، بحران سیاسی در کشور سومالی که با چهره بسیار زشت و بیرحم جنگ و خونریزی و مصیبت های ناشی از آن برای ملت مسلمان آن کشور همراه بوده است، همواره به عنوان یکی از تیرهای خبری مهم، مورد توجه رسانه های گروهی منطقه و جهان قرار داشته است. حمله نظامی کشور اتیوپی به خاک کشور مستقل سومالی که نتیجه آن گریز نیروهای اتحادیه دادگاه های اسلامی و تحکیم پایه های لرزان حکومت انتقالی سومالی در سایه حضور نظامیان اتیوپیایی بود، نه تنها صلح و ثباتی را برای این کشور به ارمغان نیاورد بلکه باعث شد تا دامنه بحران در ابعاد مختلف آن بیش از پیش گسترده شود.

در ابتدای امر تصور می شد که با پیروزی دادگاه های اسلامی شریعت بر جنگ سالاران مورد حمایت آمریکا و اتیوپی و استقرار دولت اسلام گرایان بر سراسر پهنه سومالی که با همراه با ایجاد امنیت و ثبات در مناطق تحت کنترل آنها بود، بحران این کشور به تدریج فروکش کند و این کشور بحران زده بتواند صلح و ثبات را تجربه نماید. اما حمله ارتش اتیوپی که با هدایت و پشتیبانی دولت ایالات متحده آمریکا صورت گرفت؛ آمال ملت سومالی را برای آغاز یک زندگی آرام در پرتو صلح و امنیت در آن کشور بر باد داد. پیروزی های مستمر دادگاه های اسلامی شریعت در مدت زمان کم و فرار جنگ سالارانی که سالیان زیادی با پشتوانه قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای

درگیری های اخیر در عرصه سیاست سومالی، پرده از چهره زشت این بحران برداشت. در واقع، بحران سومالی که ریشه در تاریخ، وضعیت قابل توجه جامعه قبایلی و عوامل گوناگون دیگر محیطی آن کشور دارد، متأثر از سیاست های مداخله جویانه و راهبردی توسعه طلبانه واشنگتن، تشدید شده و ابعاد تازه ای به خود گرفته است. حوادث اخیر که زیانهای جانی و مادی جبران ناپذیری را برای جامعه بحران زده سومالی در پی داشته است، سبب شد تا پرده های فراموشی از صحنه های تراژدیک یک ملت مسلمان همچون سومالی در منطقه شاخ آفریقا، کنار زده شود و به عنوان عامل روشنگری بر وقایع تلخ جامعه فقر زده و خسته از جنگ و آوارگی، پرتو افکند. تلخ ترین

این گزارش سعی دارد ریشه ها و ابعاد مختلف بحران سومالی و نقش بازیگران محلی، منطقه ای و فرامنطقه ای را در این بحران تبیین کرده و رخدادهای اخیر را تا حد امکان تجزیه و تحلیل کند.

پیشینه تاریخی بحران

با توجه به این مطلب که بحران سومالی، دارای ابعاد و زوایای مختلفی می باشد، می توان این گونه ادعا کرد که چنانچه ریشه ها و علل آن عناصری سنتی و محلی (داخلی) بود، راه کارهای حل و فصل آن نیز قدری آسانتر می بود و پیچیدگی شرایط موجود را هم نداشت. ولی تراکم تاریخی و پیچیدگی مداخله عوامل داخلی و خارجی در این قضیه، بحران این کشور را به گونه ای تبدیل کرده است که به نظر موضوعی حل ناشدنی (حداقل در کوتاه مدت) جلوه می نماید. بدون کنکاش در سوابق تاریخی و ریشه های بحران، درک درست شرایط موجود کشور سومالی، امری دشوار و تجربه و تحلیل علمی ابعاد این بحران نیز بسیار سخت و دشوار خواهد بود. مروری گذرا به پیشینه تاریخی این کشور می تواند زمینه بسیار مناسبی را برای درک ابعاد گوناگون بحران و تجربه خونین منازعات قبیله ای در این سرزمین فراهم آورد.

الف) پایان جنگ سرد: شاخص ترین نشانه ها و تبعات فروپاشی شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، تشدید بحران ها در کشورهای توسعه نیافته ای بود که در دوران جنگ سرد در صحنه رقابت میان دو ابرقدرت (شوروی و آمریکا) قرار گرفته بودند.

- ۱- کنگره متحد سومالی USC به رهبری ژنرال محمد فارح (فرح) عیدید.
 - ۲- جبهه ملی سومالی SPM به رهبری سرهنگ احمد عمر جیس
 - ۳- حرکت ملی سومالی SNM به رهبری عبدالرحمن احمد علی تور.
- در سطح منطقه‌ای می‌توان گفت که کشور اتیوپی نقش بزرگی داشته و در سطح بین‌المللی نیز، واشنگتن اسباب و ابزار یک تحول رادیکال را در منطقه شاخ آفریقا فراهم کرد. در حقیقت، این اقدامات تابعی از سیاستهای راهبردی آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از جنگ دوم خلیج فارس و آزادی کویت بوده است.
- ب) جنگ داخلی:** فروپاشی حکومت زیاد باره و فرار او، انگیزه‌های رقابت قبیله‌ای و محلی را در سومالی تشدید کرد. در حقیقت، جنگ مگادیشو در نوامبر ۱۹۹۱ میلادی، حاکی از رقابت شدید میان ژنرال عیدید و علی مهدی محمد بر ارثیه و ماترک زیادباره بوده است. زلزله مگادیشو، پس لرزه‌هایی را در سراسر کشور سومالی به دنبال داشته است.
- رهبران حرکت ملی سومالی SNM در ۱۸ مه ۱۹۹۱ میلادی منطقه شمال سومالی را مستقل اعلام کرده و کشوری خود خوانده به نام "سومالی لند" به وجود آوردند. محمد ابراهیم عقال موسس این جمهوری، به عنوان اولین رئیس جمهور انتخاب شد که پس از درگذشت وی در مه ۲۰۰۲ میلادی، آقای طاهر ریالی کاهن به عنوان جانشین وی تعیین شد. تاکنون هیچ کشوری، موجودیت آن را به عنوان کشور مستقل به

ج) دخالت آمریکا: آمریکا جهت تقویت حضور ناوگان های نظامی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، بهانه ها و انگیزه های مختلفی را جهت مداخله در امور داخلی سومالی ساخته و پرداخته نموده است. واشنگتن در سال ۱۹۹۲ میلادی، با توسل به واژه فریبنده کمک های انساندوستانه و عبارت زیبای «زنده کردن امید» وارد کشور سومالی شد تا به اصطلاح به ملت فقیر زده و قحط زده سومالی کمک بنماید. واشنگتن با هدف تثبیت حضور خود، اقدام به برنامه ریزی برای مقابله با یکی از قدرتمندترین بازیگران محلی سومالی یعنی ژنرال عیدید نمود. بر همین مبنا نیز، طی یک عملیات محرمانه و ضربتی تلاش نمود با اعزام تفنگداران خود به سومالی، ژنرال عیدید را دستگیر و به خارج از آن کشور منتقل نماید اما این عملیات با شکست سختی مواجه شد و نیروهای آمریکایی با دادن تلفات مجبور شدند با کمک نیروهای سازمان ملل متحد خاک سومالی را ترک نمایند. صحنه های مثله کردن ۱۸ سرباز آمریکایی توسط مردم سومالی در برابر دوربین های خبری غرب باعث شد تا این تجربه تلخ در ذهنیت سردمداران کاخ سفید و حافظه تاریخی آمریکا زنده برای مدت ها باقی بماند.

د) جنگ سالاران: عقب نشینی آمریکا از صحنه سومالی پس از حادثه اکتبر ۱۹۹۳ میلادی، زمینه را برای قدرت نمایی جنگ سالاران مهیا ساخت. ژنرال عیدید بطور یکجانبه حکومت خود را در ژوئن ۱۹۹۳ میلادی و با مشارکت نمایندگان ۱۶ گروه و سازمان سیاسی و قبیله ای، تشکیل داد. متأسفانه، تشکیل این حکومت نتوانست ثبات و آرامش را برای این کشور به ارمغان بیاورد و همچنان منازعات قبیله ای در این سرزمین تداوم یافت. کشته شدن ژنرال عیدید در یکی از نبردها در اوت ۱۹۹۶ میلادی نیز هیچ کمکی به حل بحران سومالی نکرد. بسیاری از کشورهای منطقه نیز جهت تقویت حضور

۱ - موافقتنامه قاهره: کلیه گروه ها و رقبای صحنه سیاست سومالی به استثنای محمد ابراهیم عقال رئیس جمهوری ایالت خودخوانده "سومالی لند" در دسامبر ۱۹۹۷ میلادی در شهر قاهره گردهم آمدند و موافقتنامه‌ای را جهت تشکیل حکومت و تقسیم قدرت و ثروت امضا نمودند ولی دخالت عناصر محلی و منطقه ای مانع از موفقیت این اجلاس شد. از نتایج تلخ اجلاس قاهره، کناره گیری سرهنگ عبداللهیی یوسف احمد (رئیس جمهوری فعلی دولت انتقالی سومالی) به عنوان رهبر جبهه نجات ملی (SSDF) و ژنرال آدم جیبو، رهبر حرکت ملی سومالی (SPM) از اجلاس بود. آنها دولت خودگردانی را در شرق و مرکز کشور به نام کشور (پانت لند) تأسیس نمودند که شامل ۵ استان از ۱۸ استان کشور سومالی بود. سرهنگ عبداللهیی یوسف احمد در ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی به عنوان رئیس این کشور برگزیده شد. در همین برهه زمانی، نبردهای خونینی میان سرهنگ حسن محمد نور معروف به "شاتی جدود" فرمانده ارتش «رحن وین برای مقاومت» (RRA) با میلیشیاهاى حسین عیدید فرزند ژنرال عیدید در استانهای جنوب غرب سومالی، در گرفت. در حقیقت، این نبردها به نمایندگی از منازعه منطقه ای میان اریتره و اتیوپی بود، زیرا اریتره هم پیمان و متحد عیدید بود و دولت اتیوپی نیز از ارتش رحن وین حمایت می کرد. در جریان این درگیری های قبیله‌ای، سرهنگ حسن محمد در مه ۱۹۹۹ میلادی موفق شد منطقه جنوب غرب سومالی را با حمایت اتیوپی به یک دولت خودگردان تبدیل کند.

۲ - اجلاس عرتا در جیبوتی: در اوت سال ۱۹۹۹ میلادی رئیس جمهوری جیبوتی با حمایت سازمان ملل، ابتکار عملی را جهت آشتی ملی میان نیروهای سومالی مطرح

سهم قبایل در قدرت تعیین شده بود ولی تراکامات تاریخی و بلند پروازیهای جنگ سالاران و مداخله همسایگان این کشور به ویژه اتیوپی، موانع فراوانی را فرا روی پیشرفت کار صلاح حسن قرار دادند. این مسایل سبب شدند تا علیرغم حمایتهای فراوان سرهنگ قذافی رهبر لیبی از رییس جمهور انتقالی سومالی، آقای صلاح حسن مجبور به استعفا شود که در پی این موضوع، دولت انتقالی نیز در اوت ۲۰۰۳ میلادی منحل شد. برای درک بیشتر وضعیت توازن قدرت و ترکیب نیروهای سیاسی فعال در صحنه سومالی در دوره دولت انتقالی به ریاست آقای عبدالقاسم صلاح حسن که تا حدود زیادی این امر در شرایط فعلی نیز ادامه دارد، بطور مختصر به ویژگیهای آنها پرداخته می شود:

- ۱- دولت انتقالی: ترکیبی از شخصیتها و گروه های سیاسی و قبیله ای که در اجلاس عرتای جیبوتی در ۲۰۰۰ میلادی گردهم آمدند که نتیجه آن تشکیل دولت انتقالی بود. مهمترین شخصیتهای این دوره، آقای عبدالقاسم صلاح حسن رئیس جمهور دولت انتقالی، عبدالله دیرو رئیس پارلمان و حسن ابشر فارح نخست وزیر دولت انتقالی.
- ۲- /پوزیسیون پایتخت: شامل ۶ گروه مخالف عمده به رهبری "عثمان عاتو"، "موسی سودی"، "عمر فینش"، "قانییری افرح"، "محمد حسین عدو" و "حسین عیدید" بود که در مناسبتهای مختلف با نیروهای دولت انتقالی درگیر و از فعالیت دولت انتقالی جلوگیری می کردند. آنها در ژانویه ۲۰۰۱ میلادی در شهر «آواسا» اتیوپی گردهم

۳- دولت خودگردان پانت لند: پایتخت این دولت شهر جروی و سرهنگ "عبداللهی یوسف" و سرهنگ "جامع علی جامع" روسای این دولت بودند که با دولت انتقالی بر سر قدرت کشمکش داشته است.

۴- ارتش رحن وین: این گروه نظامی و قبیله‌ای که با حمایت اتیوپی در سال ۱۹۹۵ میلادی تشکیل شد، بر ایالت‌های جنوب غربی سومالی با مرکزیت بایدوا^۱ (Baidoa) مسلط گردید. از رهبران این گروه می‌توان به "سرهنگ شاتی جدود" و "شیخ ابراهیم مدوبی" و "محمد حابسی" بودند که با دولت انتقالی صلاح حسن بر سر قدرت داشت اختلاف داشتند.

۵- دانشگاه‌های اسلامی و گروه‌های اسلام‌گرا اغلب در مگادیشو فعالیت داشتند و نوعی از ائتلاف و همگرایی با سیاست دولت انتقالی صلاح حسن داشتند.

۶- ائتلاف دره جووا (جووا لند): دارای حکومت خودگردان قبیله‌ای است که با دولت آقای صلاح حسن رییس جمهور ائتلاف مصلحتی داشت. بندر "کیسمایو" به عنوان مرکز آن بوده است.

۷- جمهوری سومالی لند: مرکز آن شهر «هارگیسا» است و استان‌های شمالی سومالی را تحت تسلط دارد. سرمایه‌گذاران اتیوپیایی، چینی و اسرائیلی در اقتصاد این منطقه فعال هستند. این جمهوری به جز اتیوپی که به صورت ضمنی آن را به رسمیت

۱- مقر فعلی پارلمان سومالی و مرکز استقرار قبلی دولت انتقالی سومالی است

۳ - نشست نایروبی: اجلاس نایروبی با حضور کلیه بازیگران محلی سومالی رسماً در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۲ میلادی گشایش یافت. در واقع، این نشست میراث دار ۱۸ دوره مذاکرات میان گروه‌های مختلف درگیر در صحنه سومالی بود. کشور اتیوپی در سطح داخلی، سازمان ایگاد در سطح منطقه‌ای و سازمان ملل متحد و آمریکا در سطح بین‌المللی، نقش بسزائی را در تشکیل این نشست داشتند. البته لازم به ذکر است که کشورهای عربی همچون یمن، عربستان سعودی، سودان، مصر و لیبی تلاشها و هزینه‌های زیادی را در جهت پیشرفت این مذاکرات صورت دادند ولی در نهایت آمریکا با همکاری کنیا و اتیوپی اعراب را از صحنه سومالی بیرون راند. مهمترین دستاورد این اجلاس، تشکیل پارلمان و دولت انتقالی به ریاست آقای عبداللهی یوسف احمد بوده است.

بحران مزمن

در شرایط کنونی بین‌المللی، کشور سومالی تنها سرزمینی است که حکومت نداشته و بسیاری از شاخصهای یک دولت ملی را نیز از دست داده است. این وضعیت، معلول عوامل مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که بطور خلاصه به شرح ذیل عنوان می‌شوند:

(۱) مجموعه عوامل سیاسی

الف) میراث اوضاع استعماری: سومالی تنها کشور اسلامی است که توسط کشورهای استعماری انگلیس، ایتالیا و فرانسه مورد تهاجم و استعمار قرار گرفت. تقسیم کشور

- (ب) حاکمیت استبداد و نظام قبیله ای و تک حزبی رژیم ژنرال زیادباره
 (ج) ضعف نهادها و ارگانهای حکومت
 (د) وابستگی رژیم به قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه

۲) مجموعه عوامل اقتصادی

- (الف) توسعه نیافتگی و سنتی بودن ابزارهای تولیدات اقتصادی .
 (ب) تکیه بر اقتصاد عشیره‌ای و تداوم تولیدات سنتی که اساس برنامه های آن حول محور چراگاه های قبیله ای می چرخند.
 (ج) ضعف بنیه اقتصادی جهت بهره برداری از زمینهای حاصلخیز و سواحل ممتد آن.
 (ه) تداوم کاهش درآمد ملی. کسری تراز پرداخت در سال ۱۹۸۵ میلادی، ۲۲۰ میلیون دلار بوده که در سال ۱۹۸۸ به رقم ۳۸۰ میلیون دلار رسید. همچنین، دیون خارجی این کشور در اواخر دوران حاکمیت زیادباره بالغ بر سه میلیارد دلار بوده است.
 (و) تداوم جنگ داخلی به مدت ۱۵ سال ساختارها و زیر ساختارهای اقتصادی این کشور را ویران و بنیه اقتصادی آن را متلاشی ساخته است.

۳- مجموعه عوامل اجتماعی و فرهنگی

اساس مشکلات این کشور حاکمیت نظام قبیله ای است. این نظام بر کلیه شئون و ارکان زندگی روزمره جامعهٔ سومالی حاکمیت دارد. عدم گذر جامعه سومالی از جامعه قبیله‌ای و عشیره‌ای به جامعه شهری مشکلات عدیده ای را برای این کشور به وجود آورده است. جمعیت شهری این کشور تنها ۸٪ کل جمعیت سومالی را تشکیل می دهد و تعداد شهرهای این کشور نیز انگشت شمار می باشد.

۴- مجموعه عوامل مداخله کشورهای منطقه و فرامنطقه

دخالت کشورهای منطقه و همسایگان در امور داخلی سومالی، سرچشمه بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی این کشور بوده است. دو کشور اتیوپی و کنیا چشم طمع به این سرزمین دارند و به همین دلیل در تحولات این کشور ذی مدخل هستند. این کشورها متحدین منطقه‌ای آمریکا در شرق آفریقا هستند که بزرگترین سهم در تحولات سومالی دارد.

بازیگران صحنه تحولات سومالی

در صحنه سیاست و روند تحولات کشور سومالی، سه دسته از بازیگران حضور فعال دارند که می توان آنها را در سه سطح تقسیم و گروه بندی نمود:

۱- بازیگران محلی

بازیگران بومی یا محلی، دارای بافت ها و عناصر مختلف همراه با هویت های متفاوت هستند. حجم و نوع و سطح نقش بازیگران، بستگی به عوامل فراوانی دارد که مهمترین آنها حجم کمی و کیفی بازیگر بومی و نوع ارتباط آن با بازیگران منطقه ای و فرامنطقه‌ای است. از میان بازیگران محلی که به طور سنتی و تاریخی همیشه در صحنه

الف) قبایل به عنوان نهاد اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ این کشور نقش آفرین و زمینه ساز بسیاری از تحولات و تغییرات بوده‌اند. همواره اساس و جوهره درگیری‌های بین قبایل در سومالی، تلاش برای کسب نفوذ و جایگاه اقتصادی و سیاسی در این کشور بوده است. براساس مذاکرات و توافقات قاهره، جیبوتی و نایروبی، سهم قبایل در پارلمان و حکومت سومالی بطور مشخص تعیین شده بود اما کشمکش میان سران این قبایل باعث شکست اکثر نشستهای آشتی ملی کشور بوده است. قبایل ۸۵٪ کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهد و اغلب آنها در خارج از شهرها زندگی می‌کنند. قبایل بزرگ سومالی عبارتند از:

۱- "هاویه": از لحاظ جمعیت و قدرت بزرگترین قبیله در سومالی است و حضور آنها بطور سنتی و تاریخی در شهر مگادیشو و استانهای مرکزی سومالی بوده است که همین مساله نقش موثری را در اقتدار این قبیله بازی کرده است. برخی از عشیره های این قبیله در کشورهای همسایه سومالی زندگی می‌کنند.

۲- «در» یا «دیر»: از قبایل بزرگ سومالی است که در شمال و شمال شرقی این کشور زندگی می‌کنند.

۳- "دارود": یکی از قبایل بزرگ سومالی است و همچون قبایل هاویه، دارود و دیگل - مرفله در پارلمان این کشور سهم مساوی دارد.

۴ - "دیگل - مرفله": در نواحی مرکزی سومالی دارای نفوذ اجتماعی و اقتصادی است.

قبیله "اسحاق" یا «اسباهیسی» در سومالی عموماً در منطقه شمال این کشور مستقر می‌باشد. افراد این قبیله خود را سادات و از نسل امام حسین (ع) می‌دانند.

ب) دادگاه‌های اسلامی

شرایط کشور سومالی پس از فروپاشی نهادهای دولتی در اوایل دهه نود به همراه نوع طبیعت و بافت اجتماعی این کشور، بستر ساز تشکیل این قبیل دادگاه‌های عرفی و قبیله‌ای بوده است. شیوع آنارشسیسم و آشفتگی و فقدان ضابطه‌های قانونی و چارچوب‌های حقوقی و تشدید رقابت‌ها میان سران قبایل و جنگ سالاران، مسلح شدن مردم، فرصت‌ها و زمینه‌هایی را برای تشدید روند فزاینده جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی و سقوط قانون در این کشور فراهم آورد. تداوم این روند، ارکان میان اجتماعی را مختل و انواع جرایم و بزهکاریها را تشدید نمود، به گونه‌ای که این شرایط مردم نخبگان جامعه را به ستوه آورد. لذا عقلای قوم و علمای مساجد، ضرورت تشکیل دادگاه‌های اسلامی را به عنوان راه حل مبارزه با بی قانونی‌ها، بیان نمودند. تشکیل دادگاه‌های اسلامی مراحل تاریخی زیر را طی نموده است:

۱- در سال ۱۹۹۱ میلادی پس از شکست اولین مرحله آشتی ملی در جیبوتی، منازعه و درگیری خونین قبیله‌ای میان رقبای مهم در داخل حزب کنگره ملی سومالی که رژیم زیاد باره را سرنگون ساخته بودند، رخ داد. لذا ریش سفیدان قبیله و علمای

۱- این منطقه در ایالت سومالی کشور اتیوپی قرار دارد که دارای منابع گاز فراوانی می‌باشد. اتیوپی و سومالی بارها بر سر این منطقه با یکدیگر وارد جنگ شده‌اند.

۲- در سال ۱۹۹۴ میلادی و در سایه حاکمیت علی مهدی محمد بر شهر مگادیشو و با فشار سران عشیره ها قبیله هاویه، دادگاهی تشکیل شد. علی محمود طیری فارغ التحصیل الازهر ریاست این دادگاه را بر عهده گرفت که جهت اجرای احکام این دادگاه نیز یک نیروی مسلح و میلیشیای ویژه ای در اختیار وی قرار گرفت. اجرای احکام اسلامی تحت لوای این دادگاه، نظم و امنیتی را برای مردم شهر مگادیشو، به دنبال داشت.

۳- در سال ۱۹۹۷ میلادی با حاکمیت ژنرال محمد فارح عیدید بر مگادیشو، نقش دادگاه های اسلامی در این شهر کاهش یافت. اما علیرغم استبداد ژنرال عیدید، سران قبایل جهت حل اختلافات میان عیدید و ژنرال محمد جلال از جنگ سالاران مگادیشو، دادگاهی را تشکیل دادند.

۴- در سال ۲۰۰۱ میلادی در پرتو حاکمیت دولت موقت به ریاست عبدالقاسم صلاح حسن، دادگاه های اسلامی رونق گرفتند. زیرا دولت موقت جهت مقابله با قانون شکنان و جنگ سالاران نیاز به یک قدرت اجتماعی و پایگاه مردمی داشت. در طول سه سال حاکمیت صلاح حسن، میان دولت موقت و دادگاه ها یک انسجام و هماهنگی مصلحتی برای مبارزه با مخالفین روند صلح و آشتی ملی وجود داشت. صلاح حسن برای

علیرغم حمایت صلابت حسن از دادگاه‌های اسلامی، شرایط منطقه‌ای و جهانی پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و فشارهای آمریکا بر سازمانها و گروه‌های اسلامی و کنترل منابع مالی آنها به بهانه مبارزه همه جانبه با تروریسم جهانی و منطقه‌ای، زمینه تضعیف و کاهش اقتدار محلی این دادگاه‌ها را فراهم آورد.

۵ - در سال ۲۰۰۴ میلادی علیرغم تشکیل دولت جدید به ریاست آقای عبداللهی یوسف احمد، امنیت و ثبات به دلیل رقابت جنگ سالاران و تشدید روند جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی و بی قانونی در این کشور، مختل شده بود که این امر، زمینه احیای مجدد و اقتدارگرایی دادگاه‌های اسلامی را فراهم آورد. در این سال، دادگاه‌های اسلامی با تشکیل "اتحادیه دادگاه‌های اسلامی شریعت" و انتخاب آقای شیخ شریف احمد به ریاست آن وارد مرحله تاریخی شد. دادگاه‌های اسلامی با داشتن میلیشیای های مسلح توانستند با مجرمین و قانون شکنان مبارزه قاطعانه داشته باشند و فعالیت و نفوذ جنگ سالاران را کاهش دهند و امنیت و ثبات را تا حدود زیادی به شهر مگادیشو باز گردانند. این اتحادیه به دلایلی از انسجام تشکیلاتی و هماهنگی فکری خوبی برخوردار نیست.

۶ - تشکیل حکومت و تلاش برای حاکمیت بر سرزمین سومالی: نیروهای گروه دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی که به منظور ورود به صحنه سیاسی کشور سومالی با برنامه‌ریزیهای مناسب از جمله توجه به برخی زیرساختهای فرهنگی و اجتماعی مورد

شیخ شریف شیخ احمد

شیخ شریف شیخ احمد (۴۲ ساله) در سال ۲۰۰۴ میلادی و در پی سازماندهی دادگاه‌های اسلامی و میلیشیا‌های تابعه و تشکیل اتحادیه دادگاه‌های اسلامی، به ریاست آن گمارده شد. پدر و جدش از اقطاب طریقت صوفیه بوده و جدش شیخ موسی العقلی قطب طریقت ادریسیه که از نیمه قرن نوزدهم در سومالی رشد داشته است، بود. وی در شهر "مدایی" در استان اشبیلی مرکزی به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۸ میلادی در مدرسه علمیه وابسته به دانشگاه الازهر مشغول تحصیلات مذهبی شد. در سال ۱۹۹۱ میلادی فارغ التحصیل گردید و جهت ادامه تحصیل به کشور سودان رفت. وی با استفاده از بورسیه دانشگاه "کردوفان" سودان مشغول تحصیلات دانشگاهی شد اما در سال ۱۹۹۴ میلادی به دلیل ابتلاء به بیماری مالاریا، تحصیلات نیمه تمام رها کرد و پس از اندک زمانی به کشور لیبی سفر کرد. وی در دانشکده حقوق و شریعت لیبی مشغول تحصیل شد و در سال ۲۰۰۳ میلادی پس از اتمام تحصیلات خود به کشورش بازگشت. پس از بازگشت، ضمن تدریس و ارشاد مردم، اقدام به بازکردن یک مغازه

ستاره اقبال او در پی حوادث شش ماهه سال ۲۰۰۶ میلادی درخشید و به یک شخصیت مؤثر و معروف در صحنه سیاسی سومالی تبدیل گشت. اغلب آگاهان و مفسران سیاسی، قضایای سومالی و منطقه شاخ آفریقا او را فردی میانه رو، حکیم و قابل انعطاف و اهل مذاکره و گفتگو می دانند. او در این مدت کوتاه با بسیاری از رسانه های گروهی جهان و منطقه گفتگو کرده و ضمن پاسخ به شبهات و اتهامات وارده، سعی نموده است تا اهداف و منویات اتحادیه دادگاه ها را بطور شفاف تشریح و تبیین نماید. محورهای مهم و قابل توجه مصاحبه های وی با رسانه ها چنین است:

- ۱ - من از طالبان چیزی نمی دانم و با تجربه آن آگاهی ندارم.
- ۲ - دادگاه های اسلامی شریعت، حدود شریعت اسلامی را اجرا نمی کند زیرا شرایط سومالی برای اجرای آن مناسب نیست. دادگاه ها تنها به اجرای تعزیرات اسلامی در قبال خطاکاران و قانون شکنان اقدام نموده است .
- ۳ - ما قصد تشکیل دولت اسلامی نداریم . اما مردم باید در آینده تصمیم بگیرند.
- ۴ - دادگاه های اسلامی زنان را مجبور به پوشیدن حجاب و لباس اسلامی ننموده است و زنان جایگاه مهمی در تشکیلات وابسته به دادگاه ها دارند.
- ۵ - سومالی ملجأ و مأوی القاعده و افراد آن نیست و ما نمی فهمیم که آمریکا از ما چه می خواهد. جنگ سالاران و مزدوران آنها آمریکا را با دادن اطلاعات غلط فریب می دهند.

- ۶- مردم از جنگ و منازعه محلی و قبیله ای به ستوه آمده‌اند. لذا از فعالیت دادگاه‌های اسلامی (برای ایجاد امنیت و ثبات در کشور) حمایت می‌کنند.
- ۷- ما برای سلطه و به دست گرفتن قدرت به صحنه نیامدیم بلکه هدفمان اجرای تکلیف شرعی و اسلامی است.

شیخ حسن ظاهر اویس

آگاهان به مسایل سومالی وی را رهبر معنوی و روحانی اتحادیه دادگاه‌های اسلامی سومالی می‌دانند. رسانه‌های گروهی غرب به ویژه آمریکا او را رهبر جناح افراطی تشکیلات دادگاه‌های اسلامی قلمداد می‌کنند. وی در دهه نود از رهبران و مؤسسين حزب "اتحاد اسلامی سومالی" بوده است. این گروه در لیست سیاه گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده قرار گرفته است این گروه به دنبال تشکیل یک دولت اسلامی در سومالی بزرگ و منطقه شاخ آفریقا بوده است. در حوادث و تحولات سومالی پس از فروپاشی دولت آن در اوایل دهه نود، گروه اویس نقش آفرینی بسیاری داشته است. شیخ حسن از بنیانگذاران دادگاه‌های اسلامی بود که در سال ۱۹۹۷ میلادی در محله "افک حلنی" در جنوب شهر مگادیشو، دادگاهی را برای عشیره "هبرگذر" جهت رفع مشکلات و تنش‌های موجود میان ژنرال عیدید و ژنرال محمد جلال تشکیل داد. برخی از آگاهان به مسایل سومالی از جمله علی عبدالعال کارشناس مسایل سومالی بر این باور هستند که سیاست‌های غلط آمریکا ممکن است زمینه را برای رشد جناح سلفی‌گرایی و افراطی شیخ اویس (بیش از پیش) فراهم کند. این جناح علیرغم اینکه در داخل تشکیلات اتحادیه دادگاه‌های اسلامی در اقلیت هستند، اما افراد آن مسلح، آموزش دیده و از سازماندهی خوبی برخوردار هستند.

شبه نظامی های وابسته به دادگاه های اسلامی

دادگاه های اسلامی برای اجرای احکام اسلامی و مبارزه با بزهکاران و تجاوزات جنگ سالاران نیاز به یک قدرت مسلح اجرایی داشت. بر همین اساس، اغلب فرماندهان این تشکیلات نظامی در کشور افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی حضور و آموزشهای نظامی لازم را گذراندند. اکثریت افراد میلیشیاها دادگاه های اسلامی از عشیره " العیر " که بطور سنتی در میان قبایل سومالی به شجاعت و جنگجوی معروفند، از عشایر قبیله هاویه هستند. در ژوئن ۲۰۰۵ میلادی رهبران اتحادیه دادگاه های اسلامی « عدن اشی ایرو » که از رهبران مجاهدین سومالی در افغانستان بوده است را به فرماندهی نظامی میلیشیاها خود برگزیدند.

ج) ائتلاف برای برقراری صلح و مبارزه با تروریسم

این تشکل در حقیقت تشکلی میان جنگ سالاران جهت مقابله و مبارزه با نفوذ اتحادیه دادگاه های اسلامی و جریانات اسلام سیاسی به ویژه حزب اتحاد اسلامی در سومالی بوده است. این تشکیلات دارای گرایشات سکولاریستی بوده و با پول و سازماندهی سازمان سیا سازماندهی شده است. رهبران این تشکل با حمایت مالی و لجستیکی آمریکا و پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی اتیوپی، در ظاهر به مبارزه با تروریسم همت گماشتند ولی در حقیقت، کاهش و متلاشی کردن پایگاه مردمی دادگاه های اسلامی جزء اهداف راهبردی رهبران این ائتلاف بوده است.

این سازمان در ۱۸ فوریه ۲۰۰۶ میلادی اعلام موجودیت نمود و فضا و شرایط یک جنگ داخلی تمام عیار را به وجود آورد. مهمترین اهداف سیا در سازماندهی این گروه عبارتست از: مبارزه با هسته های بومی القاعده در کشور سومالی، دستگیری و ربودن متهمان به وابستگی به القاعده و کسانی که در انفجارات سفارت آمریکا در نایروبی کنیا و دارالسلام تانزانیا در سال ۱۹۹۸ میلادی نقش داشته اند و همچنین تضعیف جریانات

- ۱ - محمد قنیاری افراح : وزیر امنیت دولت انتقالی
 - ۲ - موسی سودی یلاهو: وزیر بازرگانی دولت انتقالی
 - ۳ - عمومحمود فنیش : وزیر اوقاف دولت انتقالی
 - ۴ - بوتان عیسی : وزیر خلع سلاح و بازسازی شبه نظامی ها (میلیشیا)
 - ۵ - بشیر راغی شرار : از سرمایه داران بزرگ
- این تشکیلات که مرکز عملیاتی آن در منطقه "داینیل" از نواحی شهر مگادیشو می باشد، دو فرودگاه به نامهای "دینلی" و "عسلی" را در اختیار دارد تا بتواند عملیات دستگیری و ربودن رهبران گروه های اسلام گرای وابسته به القاعده و تسلیم آنها به سازمان سیاه را تسهیل نماید.
- "ائتلاف برای برقراری صلح و مبارزه با تروریسم" در دوران حاکمیت اتحادیه دادگاه های اسلامی شریعت بر سومالی، حملاتی را علیه این گروه و ارگانهای وابسته به آن، صورت داد که روند خدمات رسانی دادگاه ها را مختل نمود و عده ای از رهبران اسلام گرای سومالی را نیز دستگیر و تحویل سازمان سیا داد. نبردهای بین اسلام گرایان و جنگ سالاران در شهر موگادیشو، در حقیقت نبرد میان آمریکا و دادگاه های اسلامی بود که گروه "ائتلاف برای برقراری صلح و مبارزه با تروریسم" به نیابت از آمریکا در این نبردها حضور داشت. سقوط مگادیشو، شهر بالعو در نیم کیلومتری شمال مگادیشو و شهر جوهر مرکز استان اشبیلی مرکزی، نشانه های بارز شکست جنگ سالاران سازمان یافته در "ائتلاف برای برقراری صلح و مبارزه با تروریسم" بود. این شکست که در حقیقت دومین شکست آمریکا در سومالی بود علل و عوامل زیادی داشت که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- آمریکا با تکیه بر جنگ سالاران فاسد و سازماندهی آنها، در ائتلاف مبارزه علیه تروریسم و سازمان القاعده شکست خورد. جنگ سالاران که پرونده ۱۵ سال فساد و تباهی را با خود به همراه داشتند، پایگاه مردمی و اعتبار سیاسی و اجتماعی مناسبی نداشتند و همین امر باعث شده بود تا مردم به اهداف و آرمان آنها اعتقاد و باور نداشته باشند.

۲- اهداف و اقدامات ائتلاف مذکور برضد ارزشها، سنتها و باورهای دینی و اسلامی مردم سومالی بوده است. حملات آنها به مدارس دینی و بنگاه های خیریه وابسته به دادگاه های اسلامی شریعت، باعث تشدید نفرت مردمی علیه ائتلاف و حامیان آن شد.

۳- رسانه های گروهی محلی وابسته به اتحادیه دادگاه های اسلامی نقش مهمی را در افشای اهداف و سیاستهای ائتلاف و حامیان آن داشته است.

۴- خدمات رسانی و اقدامات انسان دوستانه اتحادیه دادگاه های اسلامی نقش موثری را در جلب اعتماد مردم سومالی ایفاء نمود. رسانه های گروهی غربی حتی در آمریکا، خدمات رسانی دادگاه های اسلامی در امور فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و امور اجتماعی را عامل مؤثری در برقراری امنیت و ثبات در کشور سومالی قلمداد می کردند و از سازمان سیا به خاطر حمایت از مفسدینی همچون جنگ سالاران در جنگ با دادگاه های اسلامی انتقاد شدیدی می کردند. آنها این حمایتها را بسترساز زمینه تضعیف دولت انتقالی سومالی که همراه با تشدید بحرانها و مشکلات این کشور بود، می دانستند.

۵- اسلام و آئین آن در باور و وجدان ملت مسلمان سومالی (۱۰۰٪ مسلمان هستند) حضور فعال و برجسته ای دارد. سیاست آمریکا طی دو دهه اخیر، در قبال تحولات سومالی و شاخ آفریقا نتایج معکوسی به بار آورده است. دادگاه های اسلامی که در گذشته فعالیت محدود و توان ضعیفی داشتند، اکنون به یکی از قدرتهای مطرح در عرصه سیاسی سومالی تبدیل گردیده و توانمندی و قابلیت خود را جهت برقراری امنیت و ثبات در این کشور در صحنه عمل نشان داده است.

۶ - مردم از جنگ و نا امنی و بی ثباتی کشورشان خسته و از جور قدرت طلبی و آزمندی جنگ سالاران به ستوه آمده‌اند و به دادگاه های اسلامی به عنوان منجی و برقرار کننده عدالت و امنیت پناه بردند.

(د) دولت

دولت سومالی به ریاست عبداللهی یوسف، نتیجه یک ائتلاف مصلحتی میان سران قبایل و جنگ سالاران بود که در جریان برگزاری اجلاس نایروبی شکل گرفت. عبداللهی یوسف به عنوان یک نظامی که نقش موثری را در تحولات ۱۵ ساله اخیر سومالی داشته است، دارای گرایشات سکولاریستی و سابقه خصومت با شیخ حسن ظاهر اویس مؤسس حزب اتحاد اسلامی و رهبر فعلی اتحادیه دادگاه های اسلامی شریعت است. وی علیرغم اینکه از فرماندهان ارتش سومالی در جنگ اوگادن بود ولی بطور سنتی مستظهر به حمایت دولت فعلی اتیوپی است. انتخاب شهر بایدوا که در نزدیکی مرزهای سومالی و اتیوپی قرار گرفته است، به عنوان مرکز اولیه استقرار دولت انتقالی سومالی یکی از دلایل این امر است. وی در قبال پیروزی اتحادیه دادگاه های اسلامی شریعت، موضع منفی داشته و در مصاحبه ای با شبکه BBC مورخ ۲۰۰۶/۶/۱۷ اظهار داشت که: «اتحادیه دادگاه‌ها می‌بایستی دولت را به رسمیت بشناسد. ما با کسانی که دارای تشکیلات سیاسی بوده و با خشونت و تروریسم مخالف هستیم، مذاکره خواهیم کرد». آقای عبداللهی یوسف از لحاظ اجتماعی وابسته به قبیله دارود است که با قبیله هاویه همیشه در رقابت سنتی بوده است.

علی محمد جدی یا «گیدی» نخست وزیر دولت انتقالی از قبیله هاویه که بزرگترین قبیله در سومالی است، می‌باشد. وی در زمان پیشروی نیوهای اسلام گرا در خاک سومالی، تلاش نمود تا نسبت به حوادث موجود به نوعی نرمش و انعطاف از خود نشان بدهد که در همین راستا نیز چهار وزیر خود را که از مؤسسین و رهبران ائتلاف ضد

هـ - احزاب و گروه‌های فشار

روحیه قبیله‌گری و وابستگی خانوادگی به عنوان عامل مهمی بر روند تعامل احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی این کشور، چیرگی و تسلط دارد. پیشینه و بدنه ساختاری احزاب، گروه‌های سیاسی و شبه نظامی و باندهای جنگ سالاران وابستگی شدیدی به بافت قبیله‌ای جامعه بدوی سومالی دارد. جنگ داخلی ۱۵ ساله اخیر سومالی براساس اهداف و انگیزه‌های قبیله‌ای بوده است اما از زمان حاکمیت نیروهای اسلام‌گرا بر سومالی، عنصر ایدئولوژی و عقیدتی نیز به عنصر قبیله‌ای در منازعات اضافه شد.

از میان گروه‌های اسلامی سیاسی «حزب اصلاح» که گرایش اخوانی دارد و حزب «اتحاد اسلامی سومالی» با گرایشات نفوسلفی و جهادی، بزرگترین و متشکل‌ترین سازمانهای اسلامی است. حزب «جنبش ملی سومالی» و «جبهه دموکراتیک برای نجات سومالی» با گرایشات ملی و لیبرال‌مهمترین تشکیلات ملی‌گرای سومالی هستند. میلیشیا‌های جنگ سالاران و سران برخی از عشایر نیز به عنوان گروه‌های فشار در صحنه سیاست این کشور حضور فعالی دارند.

۲ - بازیگران منطقه ای

در صحنه تحولات سومالی و رخدادهای منطقه شاخ آفریقا بازیگران منطقه ای حضور دارند که هر کدام از آنها پرستیژ و هژمونی خاص خود دارند این بازیگران عبارتند از:

الف - اتحادیه عرب

کشور سومالی عضو اتحادیه عرب است و قضیه آن هرساله در کلیه نشست های سران اتحادیه عرب مطرح می شود. اعراب جهت حل مسائل کشور سومالی تاکنون بودجه هایی را تعیین و تصویب نموده اند ولی هرگز به مرحله اجرا نرسیده است. در اجلاس بیروت در سال ۲۰۰۲ میلادی بودجه ۵۶ میلیون دلاری جهت رفع برخی از مشکلات این کشور تصویب شد ولی تنها سه کشور عربی سهم مالی خود را به این کشور پرداخت کردند. کشورهای یمن، عربستان سعودی، لیبی و مصر تلاشهایی را برای حل مشکلات این کشور و آشتی ملی میان رقبای درگیر صورت داده اند ولی بنا به دلایل فراوان، همیشه در هاشم تحولات سومالی بودند. کشور مصر از لحاظ سیاسی و فرهنگی و تاریخی دارای نفوذ سنتی در کشور سومالی است و اکثر علما و روحانیون سومالیایی در دانشگاه الازهر و توابع آن تحصیل کرده اند و نظامیان دوران استقلال سومالی نیز اکثراً در مراکز نظامی و آموزشی مصر تربیت شده اند. دولت مصر در سیاست های منطقه ای خود از سومالی به عنوان اهرم فشاری علیه اقدامات دولت اتیوپی به ویژه در ارتباط با موضوع نیل استفاده می کند. کشورهای عربستان سعودی و لیبی با پشتوانه درآمدهای نفتی توانستند در میان رهبران این کشور نفوذ کنند. کشورهای یمن و سودان نیز به خاطر روابط سنتی فیما بین و همچنین پذیرائی از آوارگان سومالی در صحنه این کشور توانسته اند تا حدودی نقش آفرینی کنند. علاوه بر این، کشور سومالی عضو تجمع کشورهای ساحل و صحراست که توسط لیبی تاسیس شده است و در سال ۲۰۰۴ میلادی نیز به عضویت تجمع صنعا که ابتکار عمل یمن بود، درآمده است.

این اتحادیه میانجی‌گری‌هایی را برای ایجاد فضای مناسبی بین گروه اسلام‌گرایان سومالی و دولت انتقالی سومالی جهت حل و فصل مشکلات فیما بین و رسیدن به نتیجه‌ای برای تشکیل حکومتی ائتلافی صورت داد که مذاکرات خارطوم نمونه بارز آن می‌باشد. اتحادیه عرب در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی در زمانی که دو دور مذاکرات صلح بین گروه اسلام‌گرای حاکم بر کشور سومالی با دولت فدرال انتقالی سومالی در خارطوم پایتخت سودان صورت پذیرفته بود^۴، تصمیم به اعزام یک تیم حقیقت‌یاب برای فراهم آوردن زمینه سومین دور مذاکرات احتمالی خارطوم، به کشور سومالی گرفت. براساس برنامه‌ریزی انجام شده، مقرر گردید تا این تیم از کشورهای شرق آفریقا همچون جیبوتی، اوگاندا، کنیا و اتیوپی برای بررسی نزدیک‌تر دیدگاه‌های رهبران این کشورها در خصوص تحولات سومالی دیدار نمایند. پس از تصمیم اتحادیه آفریقا برای استقرار نیروهای حافظ صلح آفریقایی در کشور سومالی، اتحادیه عرب مبلغ ۱ میلیون دلار به این امر اختصاص داد.

ب - سازمان ایگاد

در سطح منطقه، این سازمان که از هفت کشور شاخ آفریقا و منطقه شرق آفریقا تشکیل یافته است که در تحولات سیاسی سومالی نقش تحول‌زایی داشته است. سازمان ایگاد که متشکل از کشورهای اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، کنیا، اوگاندا و سودان است، در تلاش برای حل و فصل بحران کشور سومالی به عنوان یکی از اعضای این سازمان و در راستای یکی از اصول آن که حفظ صلح و ثبات در منطقه می‌باشد، برآمده است. در اجلاس وزرای دفاع این سازمان در ۳۰ آوریل ۲۰۰۵ میلادی موضوع اعزام ۱۰۰۰۰ نیروی نظامی حافظ صلح از کشورهای عضو مطرح گردید که پس از مدتی این موضوع

۱- تا این زمان سه ماه از حاکمیت گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های شریعت بر کشور سومالی می‌گذشت.

- سازمان ایگاد جلسات زیادی را در سطح سران کشورهای عضو و وزاری آنها در خصوص سومالی برگزار کرده است که در پایان نیز منتج به صدور بیانیه‌ای شده است. در همین راستا به تعدادی از این اجلاس به شرح زیر اشاره می‌گردد:
- (۱) اجلاس در خصوص توقف درگیری‌ها (روند آشتی ملی سومالی) در سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر الدورات کشور کنیا
- (۲) اجلاس سران ایگاد در مورد سومالی در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۴ میلادی در نایروبی، کنیا
- (۳) اجلاس در حاشیه برگزاری جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد سودان و سومالی، ۱۷ نوامبر ۲۰۰۴ در شهر نایروبی، کنیا
- (۴) بیست و چهارمین اجلاس شورای وزیران ایگاد در ۱۸ مارس ۲۰۰۵ در نایروبی، کنیا
- (۵) اجلاس سران ایگاد در مورد موضوع سومالی در حاشیه چهارمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ در ابوجا، نیجریه
- (۶) اجلاس سران ایگاد در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۷ در شهر آدیس آبابا، اتیوپی
- این سازمان اقدام به اعزام نماینده‌ای به آخرین کنفرانس آشتی ملی سومالی که در ۱۵ جولای ۲۰۰۷ (۲۴ تیرماه سالجاری) در موگادیشو پایتخت سومالی توسط دولت فدرال انتقالی سومالی برگزار گردید، نمود. در حقیقت، سازمان ایگاد تلاش نموده است

ج- اتحادیه آفریقا

در ابتدای حمله نظامی اتیوپی به خاک سومالی، اتحادیه آفریقا به دلیل اینکه مقر آن در شهر آدیس آبابا (پایتخت اتیوپی) می باشد، از اتخاذ موضع تندی در این زمینه اجتناب کرد اما با گذشت زمان و شکست گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های شریعت سومالی، این اتحادیه اقدام به اتخاذ موضع جدی‌تری کرد و خواستار خروج سریع نیروهای اتیوپیایی از خاک سومالی شد. به دنبال آن، از دولت انتقالی سومالی خواست تا زمینه مذاکره و گفتگوهای صلح را با کلیه طرفهای درگیر صحنه سیاسی سومالی از جمله اسلام‌گرایان، فراهم آورد تا بدین طریق بحران کاهش یابد.

شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷ اعزام نیروهای حافظ صلح آفریقایی تحت عنوان AMISOM را برای استقرار در خاک سومالی تصویب نمود. نتیجه این امر خروج نیروهای اتیوپیایی از کشور سومالی بود اما متأسفانه بنا به دلایلی از جمله مشکلات مالی، بودجه‌ای و لجستیکی اتحادیه آفریقا، فقط کشور اوگاندا اقدام به اعزام ۱۵۰۰ نیروی نظامی با ادوات و تجهیزات نظامی نمود که اخیراً نیز اعلام نموده است تعداد ۲۵۰ نیروی دیگر را برای آموزش نیروهای پلیس سومالی اعزام خواهد کرد. اتحادیه آفریقا در راستای فعالیت بیشتر و نقش آفرینی در تحولات سیاسی سومالی، اقدام به اعزام نماینده به کنفرانس آشتی ملی سومالی که در تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۰۷ میلادی (۲۴ تیرماه سالجاری) در موگادیشو پایتخت سومالی برگزار شد، نمود.

۵ - اتیوپی

کشور اتیوپی بطور سنتی در تحولات سومالی حضور فعالی داشته است و این حضور پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی در قالب جبهه متحدین آمریکا علیه تروریسم جهانی پررنگ تر شد به گونه‌ای که در ژانویه ۲۰۰۷ میلادی وارد خاک سومالی شد و نیروهای دادگاه‌های اسلامی شریعت را سرکوب کرد. آدیس آبابا با حمایت لجستیکی و اطلاعاتی آمریکا قرارگاه‌های حزب اتحاد اسلامی سومالی را بمباران کرد.

دولت اتیوپی به بهانه حمایت از دولت عبداللهی یوسف رییس جمهور انتقالی سومالی، نیروهای نظامی خود را به شهر بایدوا با هدف حفاظت از دولت متزلزل سومالی در مقابل پیشروی نیروهای اسلام گرا گسیل داشت. برخی از گروه‌های سومالیائی، آدیس آبابا را از مداخله و درگیری با نیروهای اتحادیه دادگاه‌های اسلامی برحذر داشتند. رهبران اتحادیه دادگاه‌های اسلامی نسبت به مداخله مسلحانه اتیوپی عکس العمل نشان داده و تهدید نمودند که در صورت عدم خروج آنها از خاک سومالی فتوی جهاد علیه این کشور خواهند داد. مقاومت دولت اتیوپی در مقابل خواست اتحادیه دادگاه‌های اسلامی شریعت، سبب شد تا این گروه علیه اتیوپی اعلام جهاد نماید و به دنبال آن درگیری‌های پراکنده‌ای بهانه‌ای به دست دولت اتیوپی داد تا با استناد به دفاع مشروع در یک عملیات نظامی، شرایط سیاسی را در سومالی به نفع دولت انتقالی آن تغییر دهد.

دولت اتیوپی در راستای منافع ملی خود، اهداف راهبردی را در کشور سومالی برای خود تعریف نموده است که خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد:

- تضعیف دولت مرکزی سومالی همیشه به سود دولت اتیوپی بوده است. چرا که سومالی ضعیف، توانمندی و قابلیت آزادی و پس گرفتن منطقه اوگادن در منطقه سومالی اتیوپی را نخواهد داشت.

- اتیوپی به دلیل محصور بودن در خشکی قصد دارد از بنادر و سواحل سومالی بهره برداری کند.

۵ - جیبوتی

این سرزمین بخشی از سومالی بزرگ بوده و از لحاظ اجتماعی وابستگی قبيله ای به کشور سومالی دارد. دولت جیبوتی در تشکیل دولت انتقالی صلاح حسن نقش موثری داشته و در این راستا متحمل فشارهای همه جانبه از سوی دولت اتیوپی بوده است. این کشور هم اکنون مقر نیروهای آمریکا و آلمان جهت کنترل تحولات سومالی و پاسداری از سواحل و دریای سرخ و اقیانوس هند است. در این کشور علاوه بر پایگاه دریائی نیروهای فرانسوی، آمریکا حدود ۸۰۰ سرباز و نیروی دریایی آلمان در قالب ماموریت‌های فرمانطقه‌ای سازمان ناتو حدود ۱۲۰۰ نظامی به سواحل سومالی و منطقه شاخ آفریقا اعزام داشته است.

و - اریتره

از دید استراتژیست های اریتره، کشور سومالی و تحولات آن می تواند به عنوان ابزاری مهم در ایجاد موازنه قدرت منطقه ای میان اسمره و آدیس آبابا مورد استفاده قرار گیرد. تلاش در جهت تضعیف دولت اتیوپی در سومالی، می تواند موازنه قدرت در منطقه را که به نفع دولت اتیوپی است مختل کرده و از این رهگذر هژمونی و پرستیژ منطقه اتیوپی مورد آسیب جدی قرار گیرد.

جنگ دوساله بین اتیوپی و اریتره (۱۹۹۸ الی ۲۰۰۰) که باعث انهدام زیرساختهای اقتصادی اریتره و کشته شدن ۷۰۰۰۰ نفر از طرفین شد، به عنوان نقطه بحرانی و سیاه روابط این دو کشور بحساب می آید. استنکاف اتیوپی در سال ۲۰۰۲ میلادی از پذیرش رأی کمیسیون مرزی اتیوپی و اریتره (EEBC) در مورد علامتگذاری مرزهای بین دو کشور و دادن حاکمیت منطقه مرزی مورد اختلاف دو کشور (بادمه) به اریتره باعث شد

ز - کنیا

پس از انفجار سفارت آمریکا در نایروبی در سال ۱۹۹۸ میلادی و حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، جایگاه کنیا در نقشه استراتژیک منطقه شاخ آفریقا، تغییر نمود و روابط میان نایروبی و واشنگتن بعد امنیتی - استراتژیک پیدا کرد. همکاری کنیا با آمریکا در اداره کردن قضایای منطقه ای از جمله حل قضیه جنوب سودان، حل بحران سیاسی سومالی و تشکیل دولت موقت، به نقش بازیگری نایروبی در منطقه کمک فراوانی نمود. در در جریان پیشروی‌های اسلام‌گرایان، نایروبی موضع واقع‌گرایانه‌ای اتخاذ کرد و از ورود جنگ سالاران سومالیایی به خاک خود ممانعت کرد که این امر زمینه مذاکره با اتحادیه دادگاه‌های اسلامی را به وجود آورد.

ح - مصر

منطقه شاخ آفریقا جزو مناطقی است که به عنوان حوزه نفوذ سنتی مصر بشمار می‌رود. در زمان جمال عبدالناصر، سیاست این کشور بر آموزش و حمایت از نیروهای

ط - سودان

کشور سودان از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ میلادی یعنی در زمان حکومت حسن الترابی بر آن کشور، بطور عام از کلیه حرکتهای اسلامی در منطقه حمایت می نمود و برهمین اساس نیز برخی از گروهها مانند برخی از سران اسلام گرایان سومالی در این کشور آموزش و تحصیل کرده بودند. برهمین اساس، در زمان حکومت اسلام گرایان دادگاههای شریعت بر کشور سومالی، خارطوم پایتخت سودان میزبان دو دور مذاکرات ناموفق بین این گروه با دولت فدرال انتقالی سومالی برای حل و فصل اختلافات موجود و رسیدن به یک توافق پایدار در تشکیل حکومتی متشکل از طرفین بود. البته باید یادآور شد که کشور سودان در برهه زمانی کنونی به دلیل مشکلات عدیده داخلی به ویژه موضوع بحران

۱- دولت اتیوپی هرازگاهی برای گرفتن امتیاز از دولت مصر موضوع بهره برداری از آب رود نیل را مطرح می سازد. چندی پیش با هدایت دولت اتیوپی، موضوع ایجاد سد بر روی رود نیل و استفاده از آن برای آبیاری و تولید برق باعث شد تا مصر که حیاتش به نیل گره خورده است، به شدت واکنش نشان دهد و برای جلب نظر اتیوپی امتیازاتی را به این کشور بدهد.

ی - کشور لیبی

با روی کار آمدن حکومت سرهنگ قذافی در لیبی و تمایلات جاه طلبانه وی، این کشور سعی نمود تا با پشتوانه دلارهای نفتی به دنبال جایگاه رهبری در جهان عرب و آفریقا برآید. منطقه شاخ آفریقا به دلیل وجود فقر و بی ثباتی یکی از مناطقی بود که توجه لیبی را به خود جلب نمود. چرا که این شرایط، این امکان را به دولت لیبی می‌داد تا با استفاده از درآمدهای سرشار نفتی خود، به حمایت از گروه‌هایی بپردازد که سیاستهای مورد نظر طرابلس را بیشتر محقق می‌سازند.

در دوران جنگ سرد، ائتلاف عدن، طرابلس و آدیس‌آبابا (با حمایت شوروی سابق) در مقابل جبهه خارطوم و موگادیشو (با حمایت ایران، مصر و عربستان سعودی) شکل گرفت. دولت لیبی رابطه خوبی را با حکومت کمونیستی اتیوپی برقرار کرد اما حکومت هایله ماریام در اتیوپی و اتحاد دو یمن با یکدیگر، دولتمردان لیبی متمایل به حمایت از کشور اریتره به عنوان متحد جدیدی در منطقه شدند. در اجلاس عرتای جیبوتی، دولت لیبی نقش مهمی را ایفاء کرد و سیاست خود را بر حمایت از آقای صلاح حسن، رئیس جمهور دولت موقت سومالی قرار داد. آقای صلاح حسن رئیس جمهور دولت موقت سومالی در سالهای آخر حکومت خود سه بار از لیبی دیدار نمود و کمکهای بسیاری را نیز دریافت نمود. علاوه براین، کشور سومالی عضو تجمع ساحل و صحرا به رهبری لیبی شد.

لیبی تلاشهای زیادی نمود تا اقدامات کنیا در صحنه تحولات سیاسی سومالی از جمله برگزاری اجلاس آشتی ملی سومالی را تحت تأثیر قرار داده و از موفقیت آن بکاهد، اما به دلیل شرایط بین المللی که به دنبال پر رنگ تر کردن نقش کنیا در مسایل منطقه‌ای به ویژه تحولات سیاسی کشور سومالی بود، این تلاشها ناکام ماند. سیاست دولت لیبی همچنان بر حمایت از آقای صلاح حسن در مقابل آقای عبداللهی یوسف رییس جمهور فعلی سومالی استوار بوده است. ظهور گروه اسلام گرای دادگاه‌های اسلامی شریعت در سومالی، عاملی شد تا کشور لیبی بتواند سیاستهای مورد نظر خود را بهتر و بیشتر پیگیری نماید. لازم به ذکر است که آقای شیخ شریف احمد رییس یکی از سردمداران گروه اسلام‌گرایان سومالی، تحصیل کرده کشور سودان و همچنین فارغ التحصیل دانشگاه الدعوه الاسلامیه کشور لیبی می باشد که به عنوان گزینه مناسب دولت لیبی، مورد حمایت آن کشور قرار گرفت. از جمله موارد دیگری که دولت لیبی در کشور سومالی به دنبال آن است، کاهش میزان نفوذ و دستاوردهای اتیوپی در سومالی و صحنه تحولات سیاسی آن می باشد.

ک - کشور یمن

براساس مقررات دولت یمن مبنی بر عدم نیاز به روادید برای اتباع کشور سومالی که نتیجه آن حضور تعداد زیادی از سومالیایی‌ها در این کشور می‌باشد، سبب شده است تا کشور یمن به دنبال پیگیری تحولات سیاسی سومالی و تأثیرات آن بر منطقه باشد. ارتباطات تاریخی بین مردم یمن و سومالی، تمایلات بلند پروازانه دولت یمن برای جلب نظر آمریکا جهت ایجاد سرفرماندهی نیروهای مبارزه با ضد تروریسم منطقه در آن کشور و همچنین فراهم آوردن زمینه کنترل اریتره^۶ به عنوان کشور ناآرام منطقه، سبب

۱- ایجاد "مجمع همکاری صنعا" یا اتحاد سه گانه با حضور اتیوپی، سودان و یمن (که بعدها سومالی نیز بدان پیوست) با هدف کنترل و اعمال فشار بر اریتره نمونه‌ای از این قبیل اقدامات بحساب می‌آید.

ل - کشور عربستان سعودی

پس از سقوط حکومت زیادباره در سومالی، عربستان سعودی تلاش نمود تا با سرازیر کردن دلارهای نفتی به کشور سومالی، زمینه جذب نخبه‌گان سومالیایی را از طریق فراهم آوردن امکان تحصیل در دانشگاه‌ها و مدارس مذهبی خود فراهم آورد. برخی از تحصیلکردگان مراکز عربستان سعودی افرادی بودند همانند آقای طاهر اویس که یکی از رهبران تندروی گروه اسلام‌گرای دادگاه‌های شریعت سومالی می‌باشد که در لیست سیاه دولت آمریکا قرار دارد.

حضور تعداد زیادی از اتباع سومالیایی با تابعیت عربستانی که در کشور عربستان سعودی مشغول کسب و تجارت می‌باشند، سبب شده است تا ارسال برخی کمک‌های مادی و تجهیزاتی برای گروه‌های اسلامی سومالیایی توسط آنها، از جمله مواردی باشد که سبب شود تا نام عربستان سعودی در تحولات سیاسی سومالی مطرح گردد. لازم به ذکر است که این تجار سومالیایی کمک‌های بسیاری را برای گروه‌های اسلامی فعال در کشور سومالی جمع آوری و ارسال نموده‌اند.

البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که سوای از کمک‌های ارسالی تجار سومالیایی مقیم عربستان، یکی از سیاست‌های این کشور در سومالی، تلاش برای برچیدن

۱- اختلاف با یمن بر سر جزایر حنیث در دریای سرخ، اختلاف با اتیوپی بر سر منطقه مرزی "بادمه" که منجر به جنگ دوساله شد، اختلاف با سودان بر مسایل مرزی و حمایت از مخالفین دولت مرکزی می‌باشد.

گروه اسلامی "الشباب" (جوانان) که اقدام به انجام عملیاتهای استشهادی و ایذایی در خاک سومالی علیه نیروهای دولتی سومالی و ارتش اتیوپی می‌نماید، توسط عربستان سعودی حمایت مالی و تجهیزاتی می‌شوند.

۳- بازیگران بین‌المللی

ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل متحد و نهادهای تابعه آن مهمترین عناصر فرا منطقه‌ای در صحنه تحولات سومالی هستند.

الف) سازمان ملل متحد

در اوایل دهه نود و پس از فروپاشی حکومت سومالی و تشدید درگیریهای قبیله‌ای میان ژنرال عیدید و رقیبش علی مهدی محمد، سازمان ملل متحد نیروهای حافظ صلح به سومالی فرستاد اما مأموریت آن به دلایل فراوان به شکست منجر شد. سازمان ملل متحد اغلب ابتکار عمل‌های موجود را جهت برقراری امنیت و ثبات در این کشور مدیریت کرد و در همین راستا، در سال ۲۰۰۲ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد با

تاکنون شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام به صدور قطعنامه‌های: شماره ۷۳۳ در ۲۳ ژانویه ۱۹۹۲ میلادی، شماره ۱۵۱۹ در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۳، شماره ۱۵۵۸ در ۱۷ آگوست ۲۰۰۴، شماره ۱۵۸۷ در ۱۵ مارس ۲۰۰۵، شماره ۱۶۳۰ در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۵، شماره ۱۶۷۶ در ۱۰ مه ۲۰۰۶، شماره ۱۷۲۴ در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۶، شماره ۱۷۴۴ در ۲۰ فوریه ۲۰۰۷ و آخرین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به شماره ۱۷۶۶ در ۲۳ جولای ۲۰۰۷ میلادی با تأکید بر اجرای قطعنامه‌های پیشین مبنی بر اهمیت استقلال، حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی سومالی، رعایت و ادامه تحریم تسلیحاتی طرفین درگیر در این کشور صادر گردیده است. در آخرین قطعنامه صادره شورای امنیت سازمان ملل متحد، از دولت فدرال انتقالی سومالی خواسته شده است تا به تلاشهای خود برای ایجاد یک حاکمیت ملی کارآمد ادامه دهد و همزمان نیز از تمامی شیوخ سومالی دعوت شده است تا گامهای محسوسی را برای ادامه گفتگوهای سیاسی جهت حل بحران موجود بردارند. این قطعنامه از تلاشهای اتحادیه آفریقا، سازمان ایگاد و اتحادیه عرب به خاطر حمایت‌هایشان از روند آشتی ملی در کشور سومالی قدردانی بعمل آورده و حمایت قاطع خود را از تلاشهای نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در امور سومالی اعلام نموده است. طرح وضعیت موجود در کشور سومالی به عنوان خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی، سبب گردید تا موضوع بحران سومالی

در ۱۴ آگوست ۲۰۰۷ میلادی (۲۳ مردادماه سالجاری) سفیر انگلیس در سازمان ملل متحد، در پیشنهادی به شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع اعزام نیروی حافظ صلح این سازمان را به کشور سومالی مطرح نموده است.

ب) ایالات متحده آمریکا

دخالت آمریکا در تحولات داخلی سومالی و منطقه شاخ آفریقا از دیدگاه آگاهان سیاسی و کارشناسان منطقه معلول عوامل زیر است:

۱- آمریکا با دخالت در امور سومالی در پی آن است که خود را به عنوان یگانه قطب جهان مطرح نماید و از این رهگذر مسأله هژمونی جهانی خود را توسعه دهد.

۲ - اهمیت ژئوپلتیک سومالی و منطقه شاخ آفریقا: سومالی در مجاورت آب راه ها و معابر استراتژیک جهان و منطقه خلیج فارس قرار دارد. این کشور با ۳/۳۶۷ کیلومتر مرز دریائی در اقیانوس هند و خلیج عدن، دارای بنادر متعددی می باشد که سبب شده است بهترین شرایط طبیعی برای پهلوگیری کشتی های نفت کش و تجاری را در اکثر سواحل خود داشته باشد. موقعیت استراتژیک کشور سومالی، وجود ذخایر طبیعی همچون: اورانیوم، ذخایر عظیم استخراج نشده سنگ آهن، قلع، سنگ گچ، بوکسیت، مس، نمک، گاز طبیعی و نفت به موازات وجود اعتقادات قوی اسلامی در مردم این کشور، باعث شده است تا سومالی در کانون توجه کشورهای قدرتمند منطقه ای و فرامنطقه ای قرار بگیرد. حفظ آن برای تامین راههای نقل و انتقال انرژی به منطقه مدیترانه و کشورهای اتحادیه اروپا برای آمریکا یک ضرورت استراتژیکی است.

۳ - **ذخایر نفتی:** صحت گزارش‌هایی مبنی بر وجود ذخایر نفتی در دو سوم خاک سومالی روز به روز تأیید می‌شود. پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی نفت آفریقا جایگاه ممتازی در استراتژیک انرژی آمریکا پیدا کرده است. آمریکایی‌ها خیلی علاقمند به تحولات کشور سومالی و مناطق هم‌مرز هستند چرا که کشور سومالی و اطراف آن دارای ثروت زیادی است. در زمان حکومت زیادباره بر کشور سومالی شرکت‌های آمریکایی^۹ مناطق مختلفی را که امکان استخراج نفت در آنجاها وجود داشتند، شناسایی نمودند که قبل از هرگونه اقدامی جنگ داخلی شروع شد. ژنرال زیادباره ضمن اعطای امتیاز مطالعات، استخراج و بهره‌برداری نفت به چهار شرکت آمریکایی (Conoco , Amoco, Chevron & Phillips)، دو سوم خاک سومالی را نیز برای این اقدام در اختیار آنها قرار داد. در کشور سومالی مناطقی را که نفت بسیاری در آنجا وجود دارد به خانواده بوش اختصاص داده‌اند که جنگ سالاران تحت حمایت آمریکا از این منابع تا آرام شدن اوضاع حفاظت می‌نمودند^{۱۰}. در منطقه اوگادن واقع در ایالت سومالی اتیوپی منابع عظیم نفت و گاز می‌باشد که چینی‌ها در حال استخراج آن می‌باشند. در ایالات خود خوانده سومالی‌لند نیز منابع نفتی وجود دارند. آمریکایی‌های در امتداد مرز ایالات سومالی اتیوپی با کشور سومالی مناطقی را که در آنها نفت وجود دارد علامتگذاری نموده‌اند تا در آینده بتوان نسبت به استخراج آنها اقدام نمود.

لازم به ذکر است که در زمین شناس مصری و آمریکایی که یافته‌های خود از حفاری ۹ چاه نفت در سومالی را در کنفرانس سه روزه که در سال ۱۹۹۱ میلادی در لندن برگزار شد، ارایه نمودند، اظهار داشتند که ذخایر نفت و گاز سرشاری کشور سومالی را احاطه کرده است.

^۹- Conoco , Amoco, Chevron & Phillips

^{۱۰}- به نقل از یکی از نمایندگان مجلس اتیوپی که عضو فرکسیون حزب حاکم بر کشور اتیوپی می‌باشد.

۴ - مبارزه با تروریسم: به نظر آمریکا شرایط سومالی و فروپاشی دولت آن بستر مناسبی را برای رشد بنیادگرایی اسلامی و حضور افراد سازمان القاعده فراهم آورده است. یکی از بهانه های سازمان سیا برای حمایت از همه جانبه از جنگ سالاران که در ائتلاف ضد تروریسم سومالی متشکل شده بودند، مبارزه با تروریسم و خشکاندن منابع و سرچشمه های القاعده در منطقه بوده است. سناریوهای تعامل آمریکا با اسلام سیاسی و دادگاه های اسلامی سومالی، بر مبنای مقابله با گروه های اسلامی به ویژه اتحادیه دادگاه های اسلامی شریعت می باشد.

در همین راستا، طرح های زیر مورد نظر ایالات متحده آمریکا بوده است:

الف) تعامل نظامی مستقیم

اعزام نیروی نظامی از جانب ایالات متحده آمریکا و متحدین خود به سومالی هزینه ها و تبعات منفی زیادی دارد که مهمترین آنها عدم پیش بینی عواقب گسترش منازعه میان اسلام گرایان، نیروهای مردمی و آمریکا می باشد. ضمن اینکه حضور نظامی مستقیم ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۳ میلادی نتایج تلخی را برای دولت آمریکا در برداشت. لذا گزینه تعامل نظامی مستقیم در این برهه زمانی برای آمریکا مطرح نمی باشد.

ب) جنگ و تعامل نظامی غیر مستقیم

واشنگتن در این وضعیت از ارتش کشورهای کنیا و اتیوپی و جنگ سالاران سومالیایی به عنوان انتخاب های آینده خود برای مقابله با گروه های اسلام سیاسی استفاده می کند. البته این اقدام نیز تبعات زیادی را در پی دارد که از آن جمله افزایش نفرت مسلمانان منطقه علیه آمریکا و متحدین منطقه ای آن می باشد. در راستای این سیاست بود که دولت اتیوپی با چراغ سبز و حمایت آمریکا در روزهای پایانی سال ۲۰۰۶ میلادی از سه

دولت آمریکا در سال ۱۹۹۳ میلادی و به دنبال سرنگونی هلی کوپتر بلک هاوک این کشور در موگادیشو و کشته شدن ۱۸ آمریکایی که سبب خفت این کشور و خروج اجباری نیروهایش از این کشور شد، همواره سعی در دخالت در مسائل این منطقه بویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی داشته است. ایالات متحده آمریکا با احساس خطر جدی از حضور اسلام گرایان و تاثیری که این حضور می‌توانست بر مسائل شاخ آفریقا داشته باشد، به تقویت موضع دولت موقت سومالی در برابر اسلام گرایان پرداخت که در این راستا ضمن اعلام حمایت و همکاری اطلاعاتی با اتیوپی، در صدد تصویب قطعنامه ای در شورای امنیت بر آمد تا ضمن لغو تحریم تسلیحاتی سومالی، امکان حضور نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای را در خاک این کشور فراهم آورد. این قطعنامه نهایتاً در هفده آذر ماه ۱۳۸۵ تصویب و بر اساس آن قرار شد تا ۸۰۰۰ نیروی حافظ صلح از کشورهای مختلف آفریقایی وارد سومالی شوند. اتحادیه دادگاه‌های اسلامی شریعت از یکسو ضمن اتخاذ موضع علیه این قطعنامه و اعلام این مطلب که هر نیروی خارجی که وارد سومالی شود دشمن تلقی می‌شود، به تحركات نظامی خود در عرصه سومالی افزود. در این اثناء اتیوپی که وجود یک حکومت اسلامی را در سومالی را غیر قابل تحمل می‌داند، تعداد نیروهای خود در آن کشور را به حدود ۱۲۰۰۰ نفر رساند. به دنبال افزایش حضور نظامی اتیوپی در سومالی، مجلس نمایندگان این کشور نیز با مصوبه‌ای دست دولت اتیوپی را برای مداخله در امورات همسایه شرقی باز گذارد. بیست و دوم آذرماه مسئولین اتحادیه دادگاه‌های اسلامی شریعت مهلت یک هفته ای را برای خروج نیروهای اتیوپی از خاک سومالی اعلام نمودند. با پایان یافتن مهلت یک هفته ای نیروهای اتحادیه دادگاه‌های اسلامی سومالی بامداد چهارشنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۸۵ (۲۰ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی)، علیه نیروهای اتیوپی وارد جنگ شدند. متعاقب این امر،

ج) تعامل سیاسی

آمریکا پس از دومین شکست در حوادث اخیر سومالی، از فعالیت گروه تماس بین‌المللی که در سازمان ملل متحد تشکیل شده بود به موازات تلاش‌های دیپلماتیک کسشور یمن جهت وساطت میان گروه‌های درگیر سومالی، بطور علنی حمایت کرده و نسبت به ارسال پیام توسط رهبر اتحادیه دادگاه‌های اسلامی سومالی پاسخ مناسبی داد. در همین راستا، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خبر دریافت پیام رهبر اتحادیه دادگاه‌های اسلامی را تأیید کرد و اظهار داشت که "کشورش جهت برقراری امنیت و ثبات در سومالی آماده مذاکره با هر گروه سومالیایی می‌باشد".

انتقاد از سیاست آمریکا در قبال مسائل سومالی و شاخ آفریقا حتی در داخل وزارت خارجه آن افزایش یافته و خبرگزاری‌ها خبر منتقل کردن مسئول سابق پیگیری امور سومالی در سفارت آمریکا در نایروبی مخابره کرده است. انتقاد این مسئول از سیاست آمریکا در حمایت از جنگ سالاران انگیزه اصلی عکس‌العمل وزارت خارجه آمریکا برای انتقال وی از نایروبی به سفارت آمریکا در انجامینا پایتخت چاد بوده است.

پ) سازمان کنفرانس اسلامی:

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یکی از مهمترین سازمانهای متولی امور کشورهای اسلامی در جهان، در ۱۳ مه ۲۰۰۵ میلادی با ابراز نگرانی از افزایش درگیری‌های نظامی در سومالی که منجر کشته شدن صدها نفر شده بود، خواستار ایفای نقش فعالتر سازمان ملل متحد و سازمان ایگاد برای ایجاد آشتی ملی در کشور سومالی شد. آقای کمال الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ میلادی چند روز قبل از آغاز حمله نظامی اتیوپی به سومالی و اوج درگیری‌های پراکنده در آن کشور، با انتشار بیانیه‌ای خواستار خروج نیروهای نظامی اتیوپی از سومالی شد و از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست تا نسبت به انجام مسئولیتش که همانا

پس از آغاز حمله نظامی اتیوپی به سومالی، گروه تماس^{۱۱} سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ میلادی جلسه ای را با حضور وزیر امور خارجه وقت سومالی، دبیرکل سازمان ایگاد، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور سومالی، نماینده ویژه اتحادیه عرب، نماینده ویژه اتحادیه آفریقا و هیأت‌هایی از ۱۵ کشور عضو در شهر جدّه عربستان سعودی برگزار کرد. در این جلسه، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی با بیان توافق با دبیرکل اتحادیه عرب با اتخاذ ابتکار صلح مشترک دو سازمان، عنوان نمود که: " عنصر اصلی برای ثبات وضعیت فعلی، استقرار یک نیروی حافظ صلح قابل اعتماد و کارآمد در سومالی است." همچنین، صندوق همبستگی اسلامی از زیر مجموعه‌های سازمان کنفرانس اسلامی، در جلسه خود در ۲ الی ۸ مارس ۲۰۰۷، مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار (بیشترین سهم) را به بهانه مبارزه با خشکسالی به سومالی اختصاص داد.

سازمان کنفرانس اسلامی برای بررسی اوضاع و شرایط کشور سومالی اقدام به اعزام یک " کمیته حقیقت یاب"^{۱۲} به منطقه شاخ آفریقا به کشورهای اتیوپی و کنیا از ۱۴ الی ۲۴ مه ۲۰۰۷ میلادی نمود. این کمیته به سرپرستی مدیرکل امور سیاسی دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی حامل پیام دبیرکل سازمان برای آقای عبداللهی یوسف رییس جمهور دولت انتقالی سومالی بود که در آن از وخیم تر شدن اوضاع در سومالی و کشتار مردم بی دفاع در موگادیشو ابراز نگرانی شدید شده بود. در این پیام به توانایی ایفای نقش سازمان کنفرانس اسلامی در ایجاد ثبات در سومالی از طریق طرح موضوع در کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه که قرار بود هفته بعد در باکو برگزار شود، اشاره شده بود. کمیته حقیقت یاب در مدت سفر خود به کشورهای کنیا با رییس جمهور

¹¹- Contact Group

¹²- Fact-Finding

تحولات جدید عرصه سیاسی سومالی

(۱) کنفرانس آشتی ملی سومالی

الف - کنفرانس آشتی ملی موگادیشو: کنفرانس آشتی ملی سومالی که روز یکشنبه ۲۴ تیرماه (۱۵ جولای ۲۰۰۷) با سخنرانی آقای عبداللهی یوسف احمد رییس جمهور دولت فدرال انتقالی سومالی تحت تدابیر شدید امنیتی در شهر موگادیشو پایتخت آن کشور آغاز بکار کرد، به دلیل حمله خمپاره‌ای گروه‌های اسلام گرای مخالف دولت انتقالی سومالی به محل اجلاس برای چند روز به تعویق افتاد. مقامات سومالیایی علیرغم مواضع اعلام شده قبلی مبنی بر برگزاری اجلاس تحت هر شرایطی، ناچار شدند به بهانه نیاز به زمان بیشتر برای حضور هیأت‌های دیگری که نتوانسته‌اند به محل اجلاس برسند، زمان تشکیل کنفرانس را به روز پنج‌شنبه ۲۸ تیرماه (۱۹ جولای ۲۰۰۷) موکول نمایند.

مقامات بلندپایه دولت انتقالی سومالی، پس از ماهها تلاش و مذاکره با سران قبایل مختلف به ویژه قبیله هاویه (اکثریت قومی سومالی) جهت برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس آشتی ملی که طی سالجاری میلادی دو بار به تأخیر افتاده بود، اعلام کرده بودند که اجلاس مذکور در تاریخ یکشنبه مورخ ۱۵ جولای ۲۰۰۷ در پایتخت آن کشور یعنی شهر موگادیشو تحت هر شرایطی برگزار خواهد شد. اما در مقابل این اقدام دولت سومالی، گروه‌های مخالف سومالیایی در دو بخش نظامی و سیاسی اقدام به تحرکاتی برای خنثی نمودن اقدامات دولت انتقالی نمودند. گروه الشباب (جوانان) شاخه نظامی

نکته جالب توجه در روز افتتاحیه اجلاس، عدم حضور هیأت اعزامی اتحادیه اروپا بود که با توجه به دیدار ۴ روز قبل از برگزاری اجلاس هیأت اروپایی با مقامات سومالیایی و همچنین با سران قبیله هاویه در موگادیشو، احتمالاً به این نتیجه رسیده باشند که میزان نتیجه بخش بودن اجلاس کم بوده و با توجه به وجود مشکلات امنیتی در پایتخت، انتقال هیأت در این شرایط به موگادیشو عقلانی نباشد. به همین دلیل به بهانه استنکاف خلبان هواپیمای حامل هیأت از پرواز به موگادیشو در روز اجلاس، عدم حضور خود را اعلام نمودند. البته بطور خلاصه می‌توان موارد ذیل را در عدم موفقیت اجلاس مذکور دخیل دانست:

- ۱) عدم توانایی دولت انتقالی سومالی برای جلب نظر کلیه گروه‌های بازیگر صحنه سومالی به ویژه اسلام‌گرایان برای شرکت در اجلاس
- ۲) مشکل حضور نیروهای نظامی اتیوپی در سومالی و پیش شرط خروج آن توسط گروه‌های مخالف دولت برای آغاز مذاکرات و حمایت قبیله اکثریت هاویه از این موضع
- ۳) عدم اعتماد گروه‌های مخالف و اسلام‌گرایان به دولت انتقالی سومالی برای برگزاری کنفرانس در موگادیشو و درخواست برای تشکیل چنین اجلاسی در کشور بی طرف ثالث

دولت انتقالی سومالی برای موفق جلوه دادن کنفرانس مذکور، در حرکتی نمایشی به همراه هیأتی ۴۱۰ نفره متشکل از بخشهای مختلف شرکت کننده در اجلاس (که البته گزینشی عمل شده بود) به عربستان سعودی سفر نموده و در روز یکشنبه مورخ ۲۵

ب - کنفرانس آشتی ملی اسمره: برگزاری کنفرانس آشتی ملی توسط دولت فدرال انتقالی سومالی در شهر موگادیشو، پایتخت این کشور در تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۰۷ میلادی (۲۴ تیرماه ۱۳۸۶) و عدم مشارکت تعدادی از گروه‌های مخالف دولت در این روند صلح به ویژه گروه اسلام‌گرایان دادگاه‌های اسلامی شریعت در این کنفرانس، شائبه عدم موفقیت و کسب نتیجه مورد نظر را بیش از پیش تقویت نمود. گروه‌های معارض سومالیایی که در خارج از کشور بسر می‌بردند اعلام کردند که کنفرانس مشابه‌ای را در اول سپتامبر ۲۰۰۷ میلادی (۱۰ شهریور ماه ۱۳۸۶) در شهر اسمره پایتخت کشور اریتره برگزار خواهند کرد اما این کنفرانس به دلیل عدم حضور برخی از گروه‌ها که نتوانسته بودند به موقع از کشور سومالی خارج شوند به ۵ سپتامبر ۲۰۰۷ میلادی (۱۴ شهریورماه ۱۳۸۶) موکول گردید. در نهایت، این کنفرانس با هدایت و رهبری آقای شیخ شریف حسن شریف عدن، رییس مجلس سابق سومالی، آقای حسین عیدید، معاون سابق نخست وزیر دولت انتقالی سومالی و آقای شیخ شریف احمد، نفر دوم گروه دادگاه‌های اسلامی شریعت سومالی در تاریخ ۶ سپتامبر (۱۵ شهریورماه) با حضور ۳۵۰ هیأت متشکل از گروه‌های شبه نظامی، شیوخ قبایل، نمایندگان جامعه مدنی سومالی، رهبران مذهبی، اندیشمندان سومالیایی به همراه ناظرانی از اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد رسماً کار خود را آغاز نمود. این گروه در پایان اجلاس مذکور، با

ج- کنفرانس آشتی ملی جیبوتی: دولت جدید سومالی به نخست وزیری آقای نور حسن حسین برخلاف دولت قبلی، با طرح موضوع آمادگی دولت انتقالی سومالی برای مذاکره با گروه های مخالف دولت به عنوان ابتکار جدیدی مورد استقبال سازمان ملل متحد و گروه های درگیر در بحران سومالی قرار گرفت. در همین راستا، اولین دوره مذاکرات بین دولت سومالی و گروه های اسلام گرای مخالف دولت در تاریخ ۱۲ مه ۲۰۰۸ میلادی (۱۳۸۷/۲/۲۳) در جیبوتی با نظارت سازمان ملل متحد برگزار شد که به دلیل امتناع دولت سومالی از تعیین برنامه زمان بندی برای خروج نیروهای اتیوپیایی بدون نتیجه پایان یافت. دور دوم نیز در روز شنبه ۷ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی (مطابق با ۱۳۸۷/۳/۱۸) برگزار گردید که باعث شد در ۹ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی (مطابق با ۱۳۸۷/۳/۲۰) توافقنامه ای یازده ماده ای بین طرفین به امضاء برسد که در آن عنوان شده بود که حملات در سومالی ظرف ۳۰ روز آینده متوقف شود و نیروهای سازمان ملل متحد نیز ظرف ۴ ماه پس از امضای این توافقنامه در سومالی مستقر شوند. علاوه براین، در این توافقنامه که برای یک مدت ۳ ماه قابل تمدید بود، یک فرصت ۱۲۰ روزه برای خروج نیروهای اتیوپی از سومالی پس از اسقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد

¹³ - Alliance for Re-Liberation of Somalia(ARS)

البته بخشی از گروه های اسلام گرای مخالف دولت سومالی به رهبری طاهر اویس که مقر آن در اسمره پایتخت اریتره می باشد، با این توافقنامه مخالفت نموده و اعلام نمودند که حملات علیه نیروهای دولتی سومالی و اتیوپیایی مستقر در خاک سومالی همچنان ادامه خواهد یافت. به دنبال این موضع گیری، شیخ طاهر اویس طی بیانیه ای اعلام کرد که مجمع عمومی گروه "ائتلاف برای آزادسازی مجدد سومالی" در جلسه خود آقای شیخ احمد شیخ شریف را به دلیل چنین توافقی با دولت سومالی از رهبری گروه برکنار کردند که این موضوع با واکنش شیخ احمد شیخ شریف مواجه شد. وی در انتقاد از این عملکرد همقطارانش در اسمره عنوان کرد که مجمع برگزار شده حائز حد نصاب لازم برای تصمیم گیری در این خصوص نبوده است فلذا این تصمیم باطل می باشد. با این وجود، گروه موسوم به اسمره بر تصمیم خود اصرار ورزیده و رهبر جدید را برای گروه انتخاب کردند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در روز ۱۶ مه ۲۰۰۸ میلادی (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷) به اتفاق آراء قطعنامه ۱۸۱۴ را که انگلیس بانی آن بود تصویب کرد. بر مبنای این قطعنامه، راه برای بازگشت تدریجی کارکنان سازمان ملل به سومالی و احتمال استقرار نیروهای صلحبان در این کشور هموار می گردد. این قطعنامه از آقای بان کیمون دبیرکل این سازمان می خواهد که ترتیبات امنیتی لازم را برای انتقال هیات ویژه سازمان ملل به سومالی که اکنون در نایروبی کنیا مستقر است، اتخاذ کند. علاوه براین، این قطعنامه به دنبال فراهم نمودن زمینه استقرار احتمالی صلحبانان سازمان ملل به جایگزینی نیروهای صلحبان اتحادیه آفریقا در سومالی می باشد. در حال حاضر،

نمایندگان گروه " ائتلاف برای آزادسازی مجدد سومالی " و دولت انتقالی سومالی از ۱۶ تا ۱۸ آگوست ۲۰۰۸ میلادی در جیبوتی گردهم آمده تا اقدام به امضای توافقنامه صلح نمایند. این نشست مشترک که با حضور نمایندگان از اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و برخی کشورها به همراه نمایندگان جامعه مدنی و تجاری سومالی برگزار شد، بیانیه ای را در یازده ماده منتشر کردند.

۲- اوج گرفتن اختلافات در دولت انتقالی سومالی

الف) اختلاف بین رئیس جمهور و علی محمد گدی نخست وزیر: اختلافات بین آقای عبداللهی یوسف رئیس جمهور سومالی با آقای علی محمد گدی نخست وزیر آن کشور در ۹ اکتبر ۲۰۰۷ (سه شنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۸۶) به اوج خود رسید به گونه ای که طرفین برای کسب نظر نمایندگان مجلس سومالی در حمایت از موضع خود، موگادیشو(پایتخت) را به مقصد شهر بایدوا مقر پارلمان این کشور ترک نمودند. رئیس جمهور سومالی با بهره گیری از حمایت ۲۲ وزیر کابینه دولت انتقالی سومالی، درصدد متقاعد کردن پارلمان سومالی برای ارایه رأی عدم اعتماد به نخست وزیر آن کشور جهت برکناری نامبرده بود. وی علت این امر را استنکاف نخست وزیر از پذیرفتن پایان یافتن دوره تصدی پست نخست وزیریش قلمداد می نمود^{۱۴}، در حالی که آقای گدی معتقد بود ضمن اینکه زمان تصدی مسئولیتش هنوز به پایان نرسیده است، از پشتوانه قانونی لازم برای ادامه تصدی پست مذکور نیز برخوردار است.

۱- دوره نخست وزیری در دولت انتقالی سومالی سه ساله می باشد.

در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز آقای علی محمد گدی نخست وزیر دولت انتقالی سومالی در چنین محمصه‌ای گرفتار شد که با اختلاف بسیار ناچیزی موفق به کسب رأی اعتماد از مجلس سومالی گردید. پس از این رویداد، طرفین تصمیم گرفتند تا به نوعی اختلافات فیما بین را کنترل نمایند و از دامن زدن به آن اجتناب ورزند که این توافق عمر چندانی نداشت. رییس جمهور سومالی در دیدار با سفیر جمهوری اسلامی ایران در طرابلس در اعتراض وی به سخنان نسنجیده نخست وزیر سومالی مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی سومالی، اظهار داشت که نخست وزیر کشورش فردی مزدور و مزور می‌باشد که این خود نشان از اختلاف عمیق بین وی و نخست وزیر آن کشور داشت.

اقدام آقای عبداللهی یوسف احمد برای امضای یک قرار داد استخراج نفت در ایالت خودخوانده سومالی لند با یک شرکت خارجی، باعث گردید تا این امر با اعتراض شدید آقای علی محمد گدی مواجه شود. نخست وزیر دولت انتقالی سومالی معتقد بود این قبیل امور می‌بایستی پس از تهیه و تصویب قوانین و مقررات مربوط به بهره‌برداری از ذخایر نفتی در مجلس آن کشور، تحت نظارت و هدایت دولت صورت پذیرد. به دنبال این اتفاق، نخست وزیر دولت انتقالی سومالی اقدام به اخراج یکی از متحدین نزدیک رییس جمهور نمود که این امر باعث شد تا اختلافات بین رییس جمهور و نخست وزیر به حدی برسد که دولت اتیوپی برای حل و فصل آن مداخله نماید.

رئیس جمهور سومالی با هدف تلافی این اقدام نخست وزیر، رییس دیوان عالی فدرال سومالی را که مرجع تفسیر قانون اساسی و اهرم مهمی برای نخست وزیر جهت ادامه حیات سیاسی نامبرده بود، به جرم فساد دستگیر و روانه زندان کرد. این اقدامات تلافی جویانه طرفین، باعث ایجاد شکاف بیشتری در بین دستگاه حاکمه سومالی شد، به گونه ای که رییس جمهور با همراهی ۲۲ وزیر کابینه، خواستار بررسی وضعیت نخست وزیر و در نهایت رأی عدم اعتماد مجلس به دولت انتقالی جهت برکناری آقای گدی از

با استعفای آقای علی محمد گدی از پست نخست وزیری، آقای آد نور حسن حسین معاون دبیرکل هلال احمر سومالی به عنوان نخست وزیر جدید به این سمت گمارده شد. روز چهارشنبه مورخ ۱۴ و ۱۵ آذرماه ۱۳۸۶ خانم رایس وزیر امور خارجه آمریکا در سفری به آدیس آبابا اتیوپی به بررسی بحران سومالی، دارفور و دریاچه های بزرگ با سران برخی کشورهای آفریقایی و اتحادیه آفریقا پرداخت و در این دیدار خواستار اعزام

۱- بنا به گفته وی نخست وزیر چه از طرق قانونی و چه از طرق غیرقانونی می بایستی این پست را ترک نماید.
۲- قبیله هاویه از عملکرد آقای علی محمد گدی به عنوان نخست وزیر به ویژه در خصوص اقدامات دولت برای فراهم نمودن امکان استقرار بیشتر نیروهای نظامی اتیوپیایی پس از جنگ با اسلام گرایان و همچنین ناتوانی دولت در ایجاد آرامش و ثبات در کشور و برآورده نمودن نیازهای اساسی مردم سومالی، ناراضی بود. اما تنها دلیلی که برای حمایت از نامبرده داشت، بحث منازعات قبیله ای با قبیله رییس جمهور آن کشور بود.

کابینه جدید سومالی نیز در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۰۸ میلادی پس از گرفتن رای اعتماد، مقر خود را از شهر بایدوا (محل استقرار پارلمان آن کشور) به شهر موگادیشو (پایتخت سومالی) منتقل کرد و اعلام نمود که مذاکره با مخالفین در دستور کار آن دولت قرار دارد. البته این استقرار با مشکلات بسیاری از جمله حملات خمپاره ای به فرودگاه و کاخ ریاست جمهوری در روزهای اول ورود به این شهر، مواجه شد.

ب) بروز اختلاف بین رئیس جمهور و نور حسن حسین نخست وزیر جدید: اقدام آقای نور آد حسن حسین نخست وزیر سومالی در برکناری آقای محمد عمر حبیب شهردار موگادیشو که از نزدیکان رئیس جمهور می باشد، به دلیل سوءمدیریت مالی و ناتوانی در ایجاد امنیت در پایتخت، سبب شد تا آقای عبداللهی یوسف احمد رئیس جمهور آن کشور واکنش تندی در قبال این اقدام از خود نشان دهد و با استفاده از اختیار خود مجدداً نامبرده را در پست خود ابقاء نماید. افزایش تنش میان رئیس جمهور و نخست وزیر، تهدید برخی از وزرای کابینه دولت انتقالی سومالی به استعفاء و جبهه بندی در میان نمایندگان مجلس سومالی باعث شد تا این اختلاف تبدیل به یک بحران در دولت انتقالی سومالی شود. بر همین اساس، رئیس جمهور، نخست وزیر و آقای شیخ آدم محمد رئیس مجلس نمایندگان سومالی در روز ۱۵ آگوست ۲۰۰۸ میلادی (۲۴ مردادماه ۱۳۸۷) برای یافتن راه حلی جهت کاهش این بحران، عازم آدیس آبابا شدند.

جمع بندی

همانگونه که ملاحظه شد بحران ۱۵ ساله سومالی دارای ابعاد گوناگونی است که بدون توجه به این ابعاد عملاً بررسی زمینه های موجود برای ایجاد صلح و ثبات در این کشور مهم و استراتژیک منطقه شاخ آفریقا را تقریباً غیرممکن و به عبارتی محال می کند. اتحادیه دادگاه های اسلامی شریعت سومالی توانستند با بهره گیری از شرایط موجود در این کشور مسلمان و با تکیه بر اعتقادات مذهبی، حکومتی را ایجاد نمایند که امنیت را

محمد جواد حسینی تهیه کننده: